



نگاهی گذرا به زندگی  
امام جعفر صادق علیه السلام

با اقتباس از کتاب  
سیمای پیشوایان در آینه تاریخ  
تألیف: مهدی پیشوایی

تهیه شده توسط واحد افق جنبش مصاف

@masaf\_ofogh

## شناخت مختصری از زندگی امام جعفر صادق علیه السلام

نام پیشوای ششم از حجت های الهی بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله «جعفر»، کنیه اش «ابوعبدالله»، لقبش «صادق»، پدر ارجمندش امام باقر علیه السلام و مادرش «ام فروه» می باشد.

او در هفدهم ربیع الاول سال ۸۳ هجری در مدینه چشم به جهان گشود و در سن ۶۵ سالگی در سال ۱۴۸ هجری به شهادت رسیدند و در قبرستان معروف «بقیع» در کنار مرقد پدر بزرگوارش به خاک سپرده شد.

### خلفای معاصر آن حضرت

امام صادق علیه السلام در سال ۱۱۴ هجری به امامت رسید. دوران امامت او مصادف بود با اواخر حکومت امویان که در سال ۱۳۲ هجری به عمر آن پایان داده شد و اوایل حکومت عباسیان که از این تاریخ آغاز گردید.

امام صادق علیه السلام از میان خلفای اموی با افراد زیر معاصر بود:

- ۱- هشام بن عبدالملک (۱۰۵-۱۲۵ هـ.ق)
  - ۲- ولید بن یزد بن عبدالملک (۱۲۵-۱۲۶ هـ.ق)
  - ۳- یزید بن ولید بن عبدالملک (۱۲۶ هـ.ق)
  - ۴- ابراهیم بن ولید بن عبدالملک (۷۰ روز از سال ۱۲۶ هـ.ق)
  - ۵- مروان بن محمد مشهور به مروان حمار (۱۲۶ - ۱۳۲ هـ.ق)
- از میان خلفای عباسی نیز معاصر بود با:

- ۱- عبدالله بن محمد مشهور به سفاح (۱۳۲ - ۱۳۷ هـ.ق)
- ۲- ابوجعفر مشهور به منصور دوانیقی (۱۳۷ - ۱۵۸ هـ.ق)

## عظمت علمی امام صادق علیه السلام:

در باب عظمت علمی امام صادق علیه السلام دلایل فراوانی وجود دارد و این معنا مورد قبول دانشمندان تشیع و تسنن و حتی برخی از مستشرقین است. فقها و دانشمندان بزرگ در برابر عظمت علمی آن حضرت سر تعظیم فرود می‌آوردند و برتری علمی او را می‌ستودند. «ابوحنیفه»، پیشوای مشهور فرقه حنفی، می‌گفت: من دانشمندتر از جعفر بن محمد ندیده‌ام.<sup>۱</sup>

«مالک»، پیشوای فرقه مالکی می‌گفت: مدتی نزد جعفر بن محمد رفت و آمد می‌کردم، او را همواره در یکی از سه حالت دیدم: یا نماز می‌خواند یا روزه بود و یا قرآن تلاوت می‌کرد، و هرگز او را ندیدم که بدون وضو حدیث نقل کند.<sup>۲</sup> در علم و عبادت و پرهیزگاری، برتر از جعفر بن محمد، هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و به قلب هیچ بشری خطور نکرده است.<sup>۳</sup>

شیخ «مفید» می‌نویسد: به قدری علوم از آن حضرت نقل شده که زبانزد مردم گشته و آوازه‌ی آن همه جا پخش شده است و از هیچ یک از افراد خاندان او، به اندازه‌ی او علم و دانش نقل نشده است.<sup>۴</sup>

«ابن حجر هیتمی»، یکی از دانشمندان برجسته‌ی جهان تسنن می‌نویسد: به قدری علوم از او نقل شده که زبانزد مردم گشته و آوازه‌ی آن، همه جا پخش شده است و بزرگترین پیشوایان [فقه و حدیث] مانند: یحیی بن سعید، ابن جریح، مالک، سفیان ثوری، سفیان بن عیینه، ابوحنیفه، شعبه و ایوب سجستانی از او نقل روایت کرده‌اند.<sup>۵</sup>

«ابوبحر جاحظ»، یکی از دانشمندان مشهور اهل سنت در قرن سوم، می‌گوید: جعفر بن محمد کسی است که علم و دانش او جهان را پر کرده است و گفته می‌شود که ابوحنیفه و همچنان سفیان ثوری از شاگردان اوست، و شاگردی این دو تن در اثبات عظمت علمی او کافی است.<sup>۶</sup>

<sup>۱</sup> - ذهبی، شمس الدین محمد، تذکره الحفاظ، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ج ۱، ص ۱۶۶

<sup>۲</sup> - ابن حجر العسقلانی، تهذیب التهذیب، ط ۱، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۴ هـ، ج ۱، ص ۸۸

<sup>۳</sup> - حیدر، اسد، الامام الصادق و المذاهب الأربعة، ط ۲، بیروت، دارالکتب العربی، ج ۱، ص ۵۳

<sup>۴</sup> - الارشاد، قم، منشورات کتبه بصیرتی، ص ۲۷۰.

<sup>۵</sup> - الصواعق المحرقة، ط ۲، قاهره، مکتبه القاهره، ۱۳۸۵ هـ، ص ۲۰۱.

<sup>۶</sup> - حیدر، اسد، همان کتاب، ج ۱، ص ۵۵ (به نقل از رسائل جاحظ) البته این که امثال ابوحنیفه شاگرد ایشان بوده باشند از باب ادعای مخالفین مطرح است و نه به دلیل تواضع نسبت به امام صادق علیه السلام.



دکتر دونالدسون<sup>۷</sup> مسیحی:

(امام) جعفر صادق (علیه السلام) مکتبی در مدینه داشتند که سقراط گونه بود.

# THE SHI'ITE RELIGION

A HISTORY OF ISLAM  
IN PERSIA AND IRAK

BY  
DWIGHT M. DONALDSON, D.D., Ph.D.  
MASHHAD, PERSIA



LONDON  
LUZAC & COMPANY  
46 GREAT RUSSELL STREET, W.C. 1  
1933

## CONTENTS

xi

### CHAPTER IX

THE IMAM ALI ASGHAR, ZAIN AL-ABIDIN . . . . . PAGE 101  
The Kaisanis, or supporters of Muhammad ibn Hanifiyya.—The claim that Husain had designated Ali Asghar.—How his life had been spared at Kerbala.—Indignation aroused by atrocities against the Prophet's family.—Ibn Zubair led a rebellion against the Umayyads.—Inhabitants of Medina subjected to violence.—Desecration of the Prophet's tomb.—Zain al-Abidin disclaimed responsibility for rebellion.—Mecca besieged and the Kaaba set on fire.—The army withdrew after the death of Yazid.—Ibn Zubair's rival court in Mecca.—Efforts of Sulaiman and the party called "Penitents."  
—The vengeance of al-Mukhtar.—Divergent theories of the Caliphate.—The appeal to the "black stone" in the Kaaba.—Zain al-Abidin's mother, a Persian princess.—Years of private life, and (possibly) death by poison.

### CHAPTER X

THE IMAM MUHAMMAD AL-BAKIR, "THE AMPLE" . . . . . 112  
The leading interpreter of the faith.—His claim to the knowledge of the prophets.—Explained his right to the Imamate before the Caliph Hisham.—Warned his brother Zaid not to rebel with the Kufans.—Was the status of an Imam conditional upon his public appearance?—The enmity of his cousin, Zaid, the son of al-Hasan.—Particular miracles ascribed to Muhammad al-Bakir.—The rival claim of Abdullah ibn Ali ibn Abdulla ibn al-Husain.—Sayings showing the Imam Bakir's peace-loving disposition.—The story that he was poisoned at the age of fifty-seven.

### CHAPTER XI

THE RISE OF THE 'ABBASIDS . . . . . 120  
Discontent with the Imams as merely spiritual guides.—Marwan II seized the Caliphate.—Precarious situation in Khorasan.—The 'Abbasid propaganda for "the family of the Prophet."—The Umayyads were losing their fighting strength.—They were increasingly hated by the non-Arab Muslims.—The Kaisanis united with the Hashimids.—Envoys sent to Khorasan.—Ibrahim put to death by Marwan II.—The victorious advance of Muslim's armies from Khorasan.—As-Saffah, "the pitiless blood shedder," became Caliph.—His successor was the famous al-Mansur.—The great general, Muslim, was lured to his death.—Where was the Imam Ja'far as-Sadiq?

### CHAPTER XII

THE IMAM JA'FAR AS-SADIK, "THE TRUTHFUL" . . . . . 129  
The Imam most frequently cited as an authority.—Little known of his domestic life.—Extreme care to keep out of politics.—Shahrastani's estimate of him.—The story of the burning of his house.—His relations with the Caliph al-Mansur.—His Socratic school in the garden in Medina.—Several of his famous pupils.—Stories of Abu Hanifa, the rival savant in Kufa.—Teachings and sayings attributed to the Imam Ja'far.—The question as to whether he wrote any books.—The Imamate as related to the doctrine of "The Light of Muhammad." The Imam Ja'far's death. Was he also poisoned?—He was buried in the Baki' cemetery at Medina.

جایگاه امام صادق علیه السلام به قدری والاست که حتی ابن تیمیه تئوریسین وهابیت لب به اعتراف گشوده و میگوید:

بعد از جعفر بن محمد (امام صادق سلام الله علیه) کسی به ماندش نیامده است.<sup>۸</sup>

<sup>۷</sup> ایشان دکتری فلسفه دارد و شخصیتی مانند سقراط برای این فیلسوف مسیحیک شخصیت فوق العاده است. زمانی که میگوید مکتب سقراط گونه یعنی مکتبی علمی که افراد مختلف از آن استفاده می کنند.

<sup>۸</sup> ابن تیمیه الحرانی الحنبلی، ابوالعباس أحمد عبد الحلیم (متوفای ۷۲۸ هـ)، منهاج السنة النبویة، ج ۴ ص ۱۲۶، تحقیق: د. محمد رشاد سالم، ناشر: مؤسسه قرطبه، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۶ هـ.

«ابن خَلْکان»، مورخ مشهور، می نویسد:

«او یکی از امامان دوازده گانه در مذهب امامیه، و از بزرگان خاندان پیامبر است که به علت راستی و درستی گفتار، وی را صادق می خواندند. فضل و بزرگواری او مشهورتر از آن است که نیاز به توضیح داشته باشد. ابوموسی جابر بن حیان طرطوسی شاگرد او بود. جابر کتابی شامل هزار ورق تالیف کرد که تعلیمات جعفر صادق را در برداشت و حاوی پانصد رساله بود».<sup>۹</sup>

میرعلی هندی از معاصرین خودمان که او نیز سنی است، دربارهٔ عصر امام صادق اینطور اظهار نظر میکند، میگوید: انتشار علوم در آن زمان کمک کرد که فکرها آزاد شدند و پابندها از فکرها گرفته شد. مناقشات فلسفی و عقلی در تمام جوامع اسلامی عمومیت پیدا کرد. بعد اینطور میگوید: ما نباید فراموش کنیم که آن کسی که این حرکت فکری را در دنیای اسلام رهبری کرد نوادهٔ علی بن ابی طالب است، همان که به نام امام صادق معروف است و او مردی بود که افق فکرش بسیار باز بود عقل و فکرش بسیار عمیق و دور بود فوق العاده به علوم زمان خودش امام و توجه داشت. بعد میگوید: و در حقیقت اول کسی که مدارس عقلی را در دنیای اسلام تأسیس کرد او بود. میگوید: شاگردانش تنها فقهای بزرگ مثل ابو حنیفه نبودند، طلاب علوم عقلی هم بودند.<sup>۱۰</sup>

### اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر امام

در میان امامان، عصر امام صادق (علیه السلام) منحصر به فرد بوده و شرایط اجتماعی و فرهنگی عصر آن حضرت در زمان هیچ یک از امامان وجود نداشته است، زیرا آن دوره از نظر سیاسی، دوره ضعف و تزلزل حکومت بنی امیه و فزونی قدرت بنی عباس بود و این دو گروه مدتی در حال کشمکش و مبارزه با یکدیگر بودند. از زمان هشام بن عبدالملک تبلیغات و مبارزات سیاسی عباسیان آغاز گردید، و در سال ۱۲۹ وارد مرحله مبارزه مسلحانه و عملیات نظامی گردید و سرانجام در سال ۱۳۲ به پیروزی رسید.

از آن جا که بنی امیه در این مدت گرفتار مشکلات سیاسی فراوان بودند، لذا فرصت ایجاد فشار و اختناق نسبت به امام و شیعیان را (مثل زمان امام سجاد) نداشتند.

<sup>۹</sup> - وفیات الأعیان، تحقیق: دکتر احسان عباس، ط ۲، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۳۶۴ هـ.ش، ج ۱، ص ۳۲۷.

<sup>۱۰</sup> - مجموعه آثار شهید مطهری ج ۱۸ - سیری در سیره ائمه اطهار (ع)

عباسیان نیز چون پیش از دستیابی به قدرت در پوشش شعار طرفداری از خاندان پیامبر و گرفتن انتقام خون آنان عمل می کردند، در ظاهر فشار کمتری از طرف آنان مطرح بود. از اینرو این دوران، دوران آرامش و آزادی نسبی امام صادق علیه السلامو شیعیان، و فرصت بسیار خوبی برای فعالیت علمی و فرهنگی آنان به شمار می رفت.

### شرایط خاص فرهنگی

از نظر فکری و فرهنگی نیز عصر امام صادق علیه السلام عصر جنبش فکری و فرهنگی بود. در آن زمان شور و شوق علمی بی سابقه‌ای در جامعه اسلامی به وجود آمده بود و علوم مختلفی اعم از علوم اسلامی همچون: علم قرائت قرآن، علم تفسیر، علم حدیث، علم فقه، علم کلام، یا علوم بشری مانند: طب، فلسفه، نجوم، ریاضیات و پدید آمده بود، به طوری که هر کس یک متاع فکری داشت به بازار علم و دانش عرضه می کرد. بنابراین تشنگی علمی عجیبی به وجود آمده بود که لازم بود امام به آن پاسخ گوید.

عواملی را که موجب پیدایش این جنبش علمی شده بود می توان بدین نحو خلاصه کرد:

۱- آزادی و حریب فکر و عقیده در اسلام. البته عباسیان نسبت به بنی امیه در این آزادی فکری بی تأثیر نبود؛ اما ریشه این آزادی در تعلیمات اسلام بود، به طوری که اگر هم عباسیان می خواستند از آن جلوگیری کنند، نمی توانستند.

۲- محیط آن روز اسلامی یک محیط کاملاً مذهبی بود و مردم تحت تأثیر انگیزه‌های مذهبی بودند. تشویق‌های پیامبر اسلام به کسب علم، و تشویق‌ها و دعوت‌های قرآن به علم و تعلیم و تفکر و تعقل، عامل اساسی این نهضت و شور و شوق بود.

۳- اقوام و مللی که اسلام را پذیرفته بودند نوعاً دارای سابقه فکری و علمی بودند و بعضاً همچون نژاد ایرانی (که از همه سابقه‌ای درخشانتر داشت) و مصری و سوری، از مردمان مراکز تمدن آن روز به شمار می رفتند. این افراد به منظور درک عمیق تعلیمات اسلامی، به تحقیق و جستجو و تبادل نظر می پرداختند.

۴- تسامح دینی یا همزیستی مسالمت‌آمیز با غیر مسلمانان مخصوصاً همزیستی با اهل کتاب. مسلمانان، اهل را تحمل می کردند و این را برخلاف اصول دینی خود نمی دانستند.

در آن زمان اهل کتاب، مردمی دانشمند و مطلع بودند. مسلمانان با آنان برخورد علمی داشتند و این خود بحث و بررسی و مناظره را به دنبال داشت.<sup>۱۱</sup>

### برخورد فرق و مذاهب

عصر امام صادق علیه السلام عصر برخورد اندیشه‌ها و پیدایش فرق و مذاهب مختلف نیز بود. در اثر برخورد مسلمین با عقاید و آرای اهل کتاب و نیز دانشمند یونان، شبهات و اشکالات گوناگونی پدید آمده بود.

در آن زمان فرقه‌هایی همچون: معتزله، جبریه، مرجئه، غلات<sup>۱۲</sup>، زنادقه<sup>۱۳</sup>، مشبه، متصوفه، مجسمه، تناسخیه و امثال اینها پدید آمده بودند که هر کدام عقاید خود را ترویج می‌کردند.

از این گذشته در زمینه هر یک از علوم اسلامی نیز در میان دانشمندان آن علم اختلاف نظر پدید می‌آمد، مثلاً در علم قرائت قرآن، تفسیر، حدیث، فقه، و علم کلام بحث‌ها و مناقشات داغی در می‌گرفت و هر کس به نحوی نظر می‌داد و از عقیده‌ای طرفداری می‌کرد.

### دانشگاه بزرگ جعفری:

امام صادق علیه السلام با توجه به فرصت مناسب سیاسی که به وجود آمده بود، و با ملاحظه نیاز شدید جامعه و آمادگی زمینه اجتماعی، دنباله نهضت علمی و فرهنگی پدرش امام باقر (علیه السلام) را گرفت و حوزه وسیع علمی و دانشگاه بزرگی به وجود آورد و در رشته‌های مختلف علوم عقلی و نقلی آن روز، شاگردان بزرگ و برجسته‌ای همچون: هشام بن حکم، محمد بن مسلم، ابان بن تغلب، هشام بن سالم، مومن طاق، مفضل بن عمر، جابر بن حیان و تربیت کرد که تعداد آنها را بالغ بر چهار هزار نفر نوشته‌اند.<sup>۱۴</sup>

هر یک از این شاگردان شخصیت‌های بزرگ علمی و چهره‌های درخشانی بودند که خدمات بزرگی انجام دادند. گروهی از آنان دارای آثار علمی و شاگردان متعددی بودند. به‌عنوان نمونه «هشام بن حکم» سی و یک جلد کتاب<sup>۱۵</sup> نوشته و نقل کرده‌اند که «جابر بن حیان» نیز بیش

<sup>۱۱</sup> - شهید مطهری، مرتضی، سیری در سیره ائمه اطهار - علیهم السلام، ج ۱، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۶۷ هـ.ش، ص ۱۴۲-۱۶۰ (با تلخیص و اقتباس)

<sup>۱۲</sup> - حیدر، اسد، همان کتاب، ج ۲، ص ۱۱۳-۱۲۶

<sup>۱۳</sup> - زنادقه منکران خدا و ادیان بودند و با علوم و زبان‌های زنده آن روز نیز ناآشنا نبودند.

<sup>۱۴</sup> - شیخ مفید، الارشاد، قم، مکتبه بصیرتی، ص ۲۷۱ - حیدر، اسد، همان کتاب، ج ۱، ص ۶۹.

<sup>۱۵</sup> - فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ط ۱، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات ۱۴۰۶ هـ.ق، ص ۲۲۹

از دویست جلد<sup>۱۶</sup> در زمینه علوم گوناگون بخصوص رشته‌های عقلی و طبیعی و شیمی (که آن روز کیمیا نامیده می شد) تصنیف کرده بود که به همین خاطر، به‌عنوان پدر علم شیمی مشهور شده است.

### وسعت دانشگاه امام صادق علیه السلام:

امام صادق علیه السلام با تمام جریانهای فکری و عقیدتی آن روز برخورد کرد و موضع اسلام و تشیع را در برابر آنها روشن ساخته برتری بینش اسلام را ثابت نمود.

شاگردان دانشگاه امام صادق علیه السلام منحصر به شیعیان نبود، بلکه از پیروان سنت و جماعت نیز از مکتب آن حضرت برخوردار می شدند. مخالفین شیعه گفته اند که پیشوایان مشهور اهل سنت، بلاواسطه یا با واسطه، شاگرد امام بوده‌اند و در رأس این پیشوایان، «ابوحنیفه» قرار دارد که دو سال شاگرد امام بوده است. او این دو سال را پایه علوم و دانش خود معرفی می کند و می گوید: «لولا السنن لهلك نعمان»: اگر آن دو سال نبود، «نعمان» هلاک می شد.<sup>۱۷</sup>

شاگردان امام از نقاط مختلف همچون کوفه، بصره، واسط، حجاز و امثال اینها و نیز از قبائل گوناگون مانند: بنی اسد، مخارق، طی، سلیم، غطفان، ازد، خزاعه، خثعم، مخزوم، بنی ضبه، قریش بویژه بنی حارث بن عبدالمطلب و بنی الحسن بودند که به مکتب آن حضرت می- پیوستند.<sup>۱۸</sup>

در وسعت دانشگاه امام همین قدر بس که «حسن بن علی بن زیاد وشأ» که از شاگردان امام رضا علیه السلام و از محدثان بزرگ بوده (طبعاً سالها پس از امام صادق علیه السلام زندگی می کرده) می گفت: در مسجد کوفه نهصد نفر استاد حدیث مشاهده کردم که همگی از جعفر بن محمد حدیث نقل می کردند.<sup>۱۹</sup>

<sup>۱۶</sup>- ابن ندیم در کتاب «الفهرست» بیش از دویست و بیست جلد کتاب به جابر نسبت داده است. (الفهرست، قاهره، المكتبة التجارية الكبرى، ص ۵۱۲-۵۱۷).

<sup>۱۷</sup>- حیدر، اسد، همان کتاب، ج ۱، ص ۷۰. اسم ابوحنیفه نعمان بن ثابت بوده است.

<sup>۱۸</sup>- حیدر، اسد، همان کتاب، ص ۳۸.

<sup>۱۹</sup>- نجاشی، فهرست مصنفی الشیعه، تحقیق: سید موسی شبیری زنجانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ص ۳۹ و ۴۰.



به گفته «ابن حجر عسقلانی» فقها و محدثانی همچون شعبه، سفیان ثوری، سفیان بن عیینه، مالک، ابن جریح، ابوحنیفه، پسر وی موسی، و هیب بن خالد، قطان، ابوعاصم، و گروه انبوه دیگر، از آن حضرت حدیث نقل کرده‌اند.<sup>۲۰</sup>

امام صادق علیه السلام هر یک از شاگردان خود را در رشته‌ای که با ذوق و قریحه او سازگار بود، تشویق و تعلیم می نمود و در نتیجه، هر کدام از آنها در یک یا دو رشته از علوم مانند: حدیث، تفسیر، علم کلام، و امثال اینها تخصص پیدا می کردند. گاهی امام، دانشمندانی را که برای بحث و مناظره مراجعه می کردند، راهنمایی می کرد تا با یکی از شاگردان که در آن رشته تخصص داشت، مناظره کنند.

«هشام بن سالم» می گوید: روزی با گروهی از یاران امام صادق علیه السلام در محضر آن حضرت نشسته بودیم. یک نفر مرد شامی اجازه ورود خواست و پس از کسب اجازه، وارد شد. امام فرمود: بنشین. آنگاه پرسید: چه می خواهی؟ مرد شامی گفت: شنیده‌ام شما به تمام سوالات و مشکلات مردم پاسخ می گوئید، آمده‌ام با شما بحث و مناظره بکنم! امام فرمود:

- در چه موضوعی؟

شامی گفت:

- درباره کیفیت قرائت قرآن.

امام رو به «حمران» کرده فرمود:

- حمران جواب این شخص با تو است!

مرد شامی:

- من می خواهم با شما بحث کنم، نه با حمران!

- اگر حمران را محکوم کردی، مرا محکوم کرده‌ای!

مرد شامی ناگزیر با حمران وارد بحث شد. هر چه شامی پرسید، پاسخ قاطع و مستدلی از حمران شنید، به طوری که سرانجام از ادامه بحث فروماند و سخت ناراحت و خسته شد!

<sup>۲۰</sup> - تهذیب التهذیب، ط ۱، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۴ هـ.ق، ج ۱، ص ۸۸.

امام فرمود:

- (حمران را) چگونه دیدی؟

- راستی حمران خیلی زبر دست است، هر چه پرسیدم به نحو شایسته‌ای پاسخ داد!

شامی گفت: می‌خواهم درباره لغت و ادبیات عرب با شما بحث کنم.

امام رو به «ابان بن تغلب» کرد و فرمود:

با او مناظره کن. ابان نیز راه هر گونه گریز را به روی او بست و وی را محکوم ساخت.

شامی گفت:

می‌خواهم درباره فقه با شما مناظره کنم!

امام به «زراره» فرمود: با او مناظره کن. زراره هم با او به بحث پرداخت و بسرعت او را به بن

بست کشاند!

شامی گفت: می‌خواهم درباره کلام با شما مناظره کنم. امام به «مؤمن طاق» دستور داد با او

به مناظره بپردازد. طولی نکشید که شامی از مؤمن طاق نیز شکست خورد!

به همین ترتیب وقتی که شامی درخواست مناظره درباره استطاعت (جبر و اختیار)، توحید و

امامت نمود، امام به ترتیب به حمزه طیار، هشام بن سالم و هشام بن حکم دستور داد با وی به

مناظره بپردازند و هر سه، با دلائل قاطع و منطق کوبنده، شامی را محکوم ساختند. با مشاهده

این صحنه هیجان‌انگیز، از خوشحالی خنده‌ای شیرین بر لبان امام نقش بست.<sup>۲۱</sup>

## فعالیت‌های سیاسی امام

در اینجا تذکر این معنا لازم است که برخلاف تصور عمومی، حرکت امام صادق (علیه السلام)

تنها در زمینه‌های علمی (با تمام وسعت و گستردگی آن) خلاصه نمی‌شد، بلکه امام فعالیت

سیاسی نیز داشت، ولی این بُعد حرکت امام، بر بسیاری از گویندگان و نویسندگان پوشیده

مانده است. در اینجا برای اینکه بی‌پایگی این تصور «که امام صادق علیه السلام بنا به ملاحظه

اوضاع و احوال آن زمان هرگز در امر سیاست مداخله نمی‌کرد و هیچ‌گونه ابتکار عمل سیاسی

<sup>۲۱</sup> - طوسی، اختیار معرفه الرجال (معروف به رجال کشی)، تحقیق، حسن مصطفوی، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ ه.ش، ص ۲۷۵ - ۲۷۸.

ای نداشت، بلکه در جهت سیاست خلفای وقت حرکت می کرد» روشن گردد، نمونه‌ای از فعالیت‌های سیاسی امام را ذیلا می آوریم:

### اعزام نمایندگان به منظور تبلیغ امامت

امام به منظور تبلیغ جریان اصیل امامت، نمایندگانی به مناطق مختلف می فرستاد. از آن جمله، شخصی به نمایندگی از طرف امام به خراسان رفت و مردم را به ولایت او دعوت کرد. جمعی پاسخ مثبت دادند و اطاعت کردند و گروهی سرباز زدند و منکر شدند، و دسته‌ای به‌عنوان احتیاط و پرهیز (از فتنه!) دست نگهداشتند.

آنگاه به نمایندگی از طرف هر گروه، یک نفر به دیدار امام صادق علیه السلام رفت. نماینده گروه سوم در جریان این سفر با کنیز یکی از همسفران، کار زشتی انجام داد (و کسی از آن آگاهی نیافت).

هنگامی که این چند نفر به حضور امام رسیدند، همان شخص آغاز سخن کرد و گفت: شخصی از اهل کوفه به منطقه ما آمد و مردم را به اطاعت و ولایت تو دعوت کرد؛ گروهی پذیرفتند، گروهی مخالفت کردند، و گروهی نیز از روی پرهیزگاری و احتیاط دست نگهداشتند.

اما فرمود: تو از کدام دسته هستی؟

گفت: من از دسته احتیاط کار هستم.

امام فرمود: تو که اهل پرهیزگاری و احتیاط بودی، پس چرا در فلان شب احتیاط نکردی و آن عمل خیانت‌آمیز را انجام دادی؟!<sup>۲۲</sup>

چنانکه ملاحظه می شود، در این قضیه، فرستاده امام اهل کوفه، و منطقه مأموریت، خراسان بوده در حالی که امام در مدینه اقامت داشته است، و این، وسعت حوزه فعالیت سیاسی امام را نشان می دهد.

<sup>۲۲</sup> - مجلسی، بحارالانوار، ط ۲، تهران، المته الاسلامیه، ۱۳۹۵ هـ.ق، ج ۴۷، ص ۷۲.